

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن^۱

اقباله عزیزخانی^۲

علیرضا محسنی تبریزی^۳

حسین آقاجانی^۴

تاریخ وصول: ۹۵/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است. چارچوب نظری و مدل نظری با استفاده از نظریه نظریه‌پردازانی همچون لیپست، وبر، پری و . . . ارائه شد. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شد، از اعتبار صوری و سازه‌ای استفاده شد و قابلیت اعتماد نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. جامعه آماری پژوهش را شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر خلخال تشکیل می‌دهد که تعداد آنان طبق آمار اداره ثبت‌احوال ۳۶۰۰۰ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو شیوه آمار توصیفی و استنباطی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار spss استفاده شده است. پس از تهیه جدول ماتریس، اطلاعات در قالب جداول یک‌بعدی و دوبعدی تنظیم گردیده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن هستند که متغیرهای مستقل حمایت اجتماعی، احساس شهروندی، اعتماد سیاسی، اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، بیگانگی اجتماعی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی، فشار گروهی، هم‌نوایی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با متغیر وابسته مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری دارد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، اعتماد، پیوند گروهی، بیگانگی، هم‌نوایی.

۱- مقاله حاضر بر اساس گزارش نهایی پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی توسعه رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن» تدوین گردیده است.

۲- دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
azizkhani_aukh@yahoo.com

۳- استاد تمام جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

پدیده مشارکت یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه اجتماعی توسعه فرهنگی توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در هر جامعه و خصوصاً جامعه رو به رشد ایران است و برخی از مشکلات ساختاری و عملکرد برنامه‌های توسعه ناشی از نارسائی‌های است که در این حوزه داریم. آنچه در این میان بر مسائل موجود می‌افزاید این است که نه مفهوم مشارکت و ابعاد آن در جامعه ما به‌خوبی تعریف شده است و نه عوامل تقویت‌کننده و یا در طیف دیگر تضعیف‌کننده آن موضوع مورد بررسی جدی قرار گرفته است (Mohseni, 2003: 11). مشارکت سیاسی به عنوان یکی از ابعاد مشارکت یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است؛ و یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به‌عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است. دائرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده است (Mosaffa, 1996: 19).

رأی‌دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم‌سالار است. رأی دادن مؤثرترین و عملی‌ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی‌دهی، فرصت دادن برای جانشینی و انتقال مناصب و مسؤولیت‌ها در جامعه است. بنابراین مشارکت سیاسی به فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرند، اطلاق می‌شود. این فعالیت‌ها ممکن است حمایت از سیاست‌های موجود مقامات دولتی و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به‌دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شود.

مشارکت سیاسی شهروندان اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. از این رو دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی شهروندان و توجه هر چه بیشتر به عوامل اجتماعی که به مشارکت سیاسی این افراد کمک می‌کند، امری ضروری است. از جمله دلایل مطالعه مشارکت انتخاباتی، بررسی علل و عوامل مؤثر بر حضور شهروندان در پای صندوق‌های رأی و راه‌های افزایش این حضور است؛ بنابراین سؤالی که این تحقیق به‌دنبال پاسخ به آن است، این است که چه عواملی شهروندان را به مشارکت سیاسی برمی‌انگیزاند؟

مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش بیانگر این است که مسأله مشارکت سیاسی از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی مورد توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران بوده است. در زیر به مبانی نظری و تجربی پژوهش اشاره می‌شود:

لیپست در آثار مختلفی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت پرداخته است. لیپست معتقد است الگوهای شرکت در انتخابات در کشورهای نظیر آلمان، سودان، امریکا، نروژ، فنلاند و برخی از کشورهای

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

دیگر مشابه هستند. در این کشورها مردان بیشتر از زنان، تحصیل‌کردگان بیشتر از بی‌سوادان، شهرنشینان بیشتر از روستائیان، متأهلین بیشتر از مجردین، افراد دارای منزلت بالاتر بیشتر از افراد دارای منزلت پایین‌تر، اعضای سازمان‌ها بیشتر از غیر اعضا در فرایندهای سیاسی - اجتماعی مشارکت دارند.

متغیرهای موردنظر لیست در تبیین مشارکت سیاسی را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: (۱) موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت، منزلت را در برمی‌گیرد. این متغیرها از نظر لیست به‌عنوان متغیرهایی پایه‌ای عمل می‌کنند که به‌طور غیرمستقیم از طریق برخی از متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و... رفتار سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۲) موقعیت اجتماعی فرد که متغیرهایی چون وضعیت تأهل، مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی شهری یا روستایی بودن، مهاجر یا بومی بودن، سطح تحصیلات، میان‌سال یا جوان بودن را در برمی‌گیرد. (۳) موقعیت سیاسی - مذهبی فرد که متغیرهای این دو وجه تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند. متغیرهایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد که به‌نوبه خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز هست (Fatemi amini, 2009: 206).

هائینگتون و نلسون مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می‌دانند. آنان مشارکت سیاسی را تابع دو عامل نگرش و اولویت‌های نخبگان سیاسی و وضع گروه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسطه در خود جامعه می‌دانند و معتقدند که فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بینجامد:

الف) مجرای تحرک اجتماعی به این معنی که کسب منزلتی بالاتر اجتماعی به‌نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و مؤثر بودن از نظر سیاسی به‌عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت اجتماعی و سیاسی می‌شود. به نظر این دو نویسنده، از میان متغیرهای منزلتی، میزان سواد یا تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارد.

ب) مجرای سازمانی یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع علائق خاص و نظایر آن‌ها) است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عوامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن‌ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همان‌طور که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به‌عنوان آخرین راه‌حل به فعالیت در سازمان‌های اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد اما به‌طور کلی دخالت در فعالیت سازمان‌ها در تبیین تفاوت سطح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی - اقتصادی مهم‌تر است (Rezaee, 1996: 54-56).

پری (۱۹۷۷) تبیین‌های مشارکت سیاسی را به دو نوع نظریه‌های ابزاری و نظریه‌های تکاملی تقسیم می‌کند. نظریه‌های ابزاری، مشارکت را وسیله‌ای برای یک هدف یعنی دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد و سدی در برابر جباریت و استبداد در نظر می‌گیرند. بنابراین نظریه‌پرداز ابزارگرا استدلال می‌کند که افراد بهترین داور منافع خودشان هستند، حکومتی که مردم در آن مشارکت داشته باشند کارآمدتر است، افرادی که از تصمیمات تأثیر می‌پذیرند حق دارند در گرفتن تصمیمات شرکت داشته باشند و مشروعیت و حکومت بر مشارکت استوار است. بنابراین وارثان نهایی نظریه ابزاری فایده‌گرایان و کثرت‌گرایان هستند.

نظریه تکاملی استدلال می‌کند که شهروند آرمانی یک شهروند مشارکت‌کننده است و بنابراین مشارکت، اعمال مسؤلیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. مشارکت یک تجربه‌ی یادگیری است که شهروند را نه تنها آگاه از حقوق خود، بلکه آگاه از وظایف و مسؤلیت‌هایش پرورش می‌دهد. چنین دیدگاهی در نوشته‌های ارسطو، جان استوارت میل، دوتوکویل و روسو یافت می‌شود و نیز بخش مهمی از اندیشه‌های محافظه‌کارانه و سوسیالیستی است؛ اما برای محافظه‌کار، تأکید بر فرد شهروند مسؤول و بنابراین بر عمل فردی و برای سوسیالیست تأکید بر مسؤولیت جامعه در قبال فرد و بنابراین بر عمل جمعی است (Rash, 1998: 139-140).

به اعتقاد آلموند فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اساساً تعیین‌کننده ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه در گذر زمان می‌باشد. از نظر آلموند جامعه‌پذیری سیاسی هرگز واقعاً پایان نمی‌پذیرد و در سراسر زندگی فرد ادامه می‌یابد. آلموند و وربا در کتاب فرهنگ‌های مدنی مفهومی از فرهنگ سیاسی به دست می‌دهند که به معنای نظام سیاسی تعریف شده است، آن گونه که در شناخت، احساسات و ارزیابی‌های مردم درونی گردیده است و به منزله الگوی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام سیاسی است. در آن کتاب، با سه نوع فرهنگ سیاسی روبه‌رو می‌شویم: الف) محدود، ب) انقیدادی، ج) مشارکتی (Naghibzadeh, 2000: 76; Kamrava, 1993: 142).

آلموند و وربا جهت بررسی مشارکت سیاسی در پنج کشور ایتالیا، انگلیس، امریکا، مکزیک و آلمان از نظریه اجتماعی‌شدن سیاسی استفاده کردند و طی آن سه نهاد اجتماعی‌کننده‌ی خانواده، مدرسه و شغل را از نظر میزان الگوی مشارکت بررسی کردند. استدلال آلموند و وربا در نهایت این است که هرچقدر سه نهاد اجتماعی‌کننده فوق‌الذکر، الگوی مشارکت قوی‌تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد اجتماعی‌کننده مشارکت بیشتری داشته باشد در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه‌ی مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود (Erfani, 2004: 76).

در این نظریه بر نقش الگوی اقتدار در بیرون از نظام سیاسی، یا به عبارتی بر یادگیری سیاسی از الگوهای حاکم بر نهادهای اجتماعی - یا تجربه‌های سازنده برآمده از موقعیت‌های نهادی - و نخبگان

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

سیاسی و تأثیر نهادها و نخبگان بر فرهنگ سیاسی مردم بسیار تأکید می‌شود (Ingelhard, 1993: 479; Dayamond, 1994: 235).

آلموند و وربا از داده‌های خود نتیجه می‌گیرند که الگوی مشارکت در درون گروه‌های طبقاتی مختلف تفاوت‌های معنی‌داری دارد و کسانی که در طبقات اجتماعی بالاتر قرار دارند مشارکت بیشتری نیز دارند. به نظر آن‌ها، یکی از دلایل قابلیت سیاسی اندک کسانی که اطلاعات و آموزش مناسبی ندارند، این است که از نظر طبقاتی در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در آن‌ها انتظار و توقع این‌که هر کس با تصمیمی مخالف است، می‌تواند مخالفتش را اعلام کند، پرورش نمی‌یابد.

وبر چهار نوع آرمانی تبیین‌های کنش و رفتار اجتماعی و بنابراین سیاسی مانند مشارکت را مطرح کرد. دو نوع از آن‌ها عقلانی هستند: کنش «عقلانی در رابطه با هدف» و کنش «عقلانی در رابطه با ارزش» و دو نوع غیرعقلانی (اما نه نامعقول): «کنش عاطفی» و «کنش سنتی» (Gidenz, 1971: 153-154). رفتار عقلانی در رابطه با هدف، رفتاری است که در آن فرد کنشی احتمالی را برحسب هزینه‌ها و منافع وسایل و هدف‌ها ارزیابی می‌کند؛ در صورتی که رفتار عقلانی در رابطه با ارزش، هدف‌ها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد، بلکه هزینه‌ها و منافع وسایل معینی را ارزیابی می‌کند. رفتار اقتصادی عقلانی به حداکثر رساندن منافع و به حداقل رساندن هزینه‌ها برای دستیابی به یک هدف موردنظر، نمونه‌ای از کنش عقلانی در رابطه با هدف است. پذیرفتن یک آرمان مذهبی یا ایدئولوژیک به منزله یک هدف و جستجوی مؤثرترین وسایل دستیابی به آن، البته مشروط به هر محدودیتی که به‌وسیله‌ی این آرمان تحمیل می‌شود، نمونه‌ای از کنش عقلانی با ارزش است. کنش عاطفی تحت سلطه‌ی عواطف و کنش سنتی تحت سلطه‌ی رسم و عادت است. اگرچه تبیین تنوع آرمانی وبر از کنش‌ها و رفتار اجتماعی را می‌توان به دلیل ناتوانی در توضیح چگونگی تغییرات رفتاری، یعنی حرکت از یک نوع کنش به نوعی دیگر، موردانتقاد قرار داد، آشکارا اهمیت ارزش‌ها و برآوردن نیازهای فردی را بازمی‌شناسد (Rash, 1998: 141).

به‌طورکلی در جامعه‌شناسی سیاسی وبر از آنجاکه زندگی انسان دستخوش نیروهای عقلانی و غیرعقلانی است و بسیاری از رفتارهای اجتماعی، غیرعقلانی به‌شمار می‌روند، بنابراین مبانی غیرعقلانی رفتار در زندگی سیاسی نیز نیرومندند. رفتار سیاسی یکسره رفتاری عقلایی نیست یعنی برحسب محاسبه علایق اقتصادی و اجتماعی صورت نمی‌گیرد، بلکه انسان به‌عنوان موجودی پیچیده به‌غیر از این علایق، علایق و زندگی غیرعقلانی عمیقی نیز دارد که طبعاً بر حوزه‌های گوناگون زندگی او و ازجمله بر رفتارهای سیاسی مؤثر واقع می‌شوند. سیاست و سلطه در هر یک از انواع سه‌گانه آن کنش و رفتاری گروهی است که در آن حکم و اطاعت به دلایل مختلف صورت می‌گیرد. وبر در بررسی سه نوع مثالی سلطه یا سیاست (اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک، اقتدار عقلانی) که از دیدگاه او تنها انواع سلطه و

سیاست به‌شمار می‌آیند به روندهای اجتماعی و تاریخی مرتبط با هر یک توجه داشته و بدین‌سان از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی آن‌ها پرداخته است (Bashiriye, 2009: 59). در پرتو مروری بر پیشینه مطالعات و مبانی نظری و چارچوب تبیینی تحقیق فرضیات زیر تنظیم شده‌اند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان حمایت اجتماعی تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان احساس شهروندی آنان تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان بیگانگی اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان اعتماد سیاسی آنان تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان دین‌داری آنان تغییر می‌کند.
- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان پیوند گروهی آنان تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان استفاده آنان از رسانه‌ها تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان فشار گروهی آنان تغییر می‌کند.

- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان هم‌نواپی آنان تغییر می‌کند.
- میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

ابزار و روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به‌صورت پیمایشی انجام شده است جامعه آماری این تحقیق را شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر خلخال تشکیل می‌دهند. حجم جمعیت آماری طبق آمار اداره ثبت احوال ۳۶۰۰۰ نفر است. حجم نمونه در این تحقیق شامل ۳۸۰ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران ($n = \frac{N \cdot t^2 \cdot p \cdot q}{N(2) + t^2 \cdot p \cdot q}$) تعیین گردید. نمونه‌گیری عبارت است از مجموعه اقداماتی که برای انتخاب

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

تعدادی از افراد جامعه به نحوی که معرف آن باشند، انجام می‌پذیرد. در قسمت روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به کار گرفته شد. بدین صورت که در مرحله اول شهر خلخال به منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم می‌شود و در مرحله بعد از هر منطقه دو محله به صورت خوشه مشخص می‌شود و سپس از هر کدام از محله‌ها چند کوچه انتخاب و از هر کوچه چند خانه و از هر خانه یک فرد برای پاسخگویی به پرسشنامه انتخاب شد.

در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه که رایج‌ترین تکنیک مورداستفاده در تحقیق پیمایشی است استفاده شده است. در بحث اعتبار وسیله اندازه‌گیری چندین نوع مختلف اعتبار می‌توان متصور بود که هر کدام با بعد متفاوتی از موضوع اندازه‌گیری سروکار دارد؛ اما در این تحقیق ما از اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای استفاده کرده‌ایم. برای بررسی آلفای کرونباخ پرسشنامه تحقیق حاضر ابتدا نمونه‌ای شامل سی پرسشنامه در بین شهروندان ۱۸ ساله به بالای شهر خلخال که به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند پخش گردید (بیش‌آزمون)، سپس از طریق نرم‌افزار (spss) برای هر کدام از متغیرهای مستقل و وابسته، گویه‌های آن‌ها از طریق آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

جدول (۱): ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرها	مقدار آلفا
حمایت اجتماعی	۰/۸۷۴
احساس شهروندی	۰/۸۵۴
اعتماد سیاسی	۰/۸۵۲
اعتماد اجتماعی	۰/۸۴۰
پیوند گروهی	۰/۸۱۳
بیگانگی اجتماعی	۰/۷۱۲
دین‌داری	۰/۹۵۸
رسانه‌های جمعی	۰/۹۴۵
همنوایی	۰/۷۸۶
فشار گروهی	۰/۷۶۲
پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES)	۰/۷۲۱
مشارکت سیاسی	۰/۷۰۵

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی:

مطابق با یافته‌های تحقیق ۵۱/۸ درصد از کل پاسخگویان مرد و با بیشترین درصد بوده‌اند. همچنین ۴۸/۲ درصد از پاسخگویان زن و با کمترین درصد می‌باشند. کمترین سن برابر با ۱۸ سال و بیشترین سن ۵۸ سال و بالاتر بوده است. بیشتر پاسخگویان نیز در مقطع سنی ۲۸-۳۷ قرار دارند. ۶۰/۵ درصد از کل پاسخگویان متأهل و با بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۰/۵ درصد از پاسخگویان نیز وضعیت تأهلشان را همسر فوت‌شده اعلام کرده و با کمترین فراوانی می‌باشند. ۳۲/۹ درصد را در این بررسی پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که با سطح تحصیلات کارشناسی بوده و بیشترین فراوانی را به خود

اختصاص داده‌اند و ۱/۶ درصد پاسخگویان با سطح تحصیلات قدیم - نهضت سوادآموزی بوده و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. ۴۹ نفر (۱۲/۹٪) از افراد نمونه شغلشان را آزاد، ۶ نفر (۱/۶٪) از افراد نمونه کارگر و کمترین میزان درآمد برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ۶/۱ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با بالای ۳۵۰۱ هزار تومان با ۰/۸ درصد می‌باشد. ۳۰/۸ درصد را در این بررسی پاسخگویان تشکیل داده‌اند که سطح تحصیلات پدرشان ابتدایی بوده و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و هیچ‌یک از پاسخگویان میزان تحصیلات پدرشان را دکتری اعلام نکرده‌اند. ۱۳۲ نفر (۳۴/۷٪) از افراد نمونه شغل پدرشان آزاد است و دارای بیشترین فراوانی هستند و ۲ نفر (۰/۵٪) از افراد نمونه اعلام کردند که پدرشان راننده است و دارای کمترین فراوانی هستند. کمترین میزان درآمد پدر پاسخگویان برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ۱۷/۶ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با بالای ۳۵۰۱ هزار تومان با ۲/۱ درصد می‌باشد. ۳۱/۳ درصد را در این بررسی پاسخگویان تشکیل داده‌اند که مادرشان بی‌سواد بوده و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و هیچ‌یک از پاسخگویان میزان تحصیلات مادرشان را حوزوی و دکتری اعلام نکرده‌اند. ۳۱۶ نفر (۸۳/۲٪) از افراد نمونه شغل مادرشان را خانه‌دار معرفی کرده‌اند و دارای بیشترین فراوانی هستند. ۳ نفر (۰/۸٪) از افراد نمونه نیز شغل مادرشان را بازاری معرفی کرده‌اند و دارای کمترین فراوانی هستند. کمترین میزان درآمد مادر پاسخگویان برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ۲/۴ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با ۱۵۰۱-۲۵۰۰ هزار تومان با ۰/۸ درصد می‌باشد. ۷۷/۴ درصد از کل پاسخگویان بومی و با بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۲۲/۶ درصد از پاسخگویان نیز غیربومی و با کمترین فراوانی می‌باشند. ۷۷/۴ درصد از کل پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از بچگی در شهر خلخال زندگی کرده‌اند و با بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۲۲/۶ درصد از پاسخگویان نیز اعلام کرده‌اند که از جای دیگری به شهر خلخال مهاجرت کرده‌اند و با کمترین فراوانی می‌باشند. ۷۲/۹ درصد از کل پاسخگویان اعلام کرده‌اند که نوع مالکیت مسکنشان ملکی است و با بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۱/۶ درصد از پاسخگویان نیز اعلام کرده‌اند که نوع مالکیت مسکنشان رهنی است و با کمترین فراوانی می‌باشند.

جدول (۲): میانگین مشارکت سیاسی در بین شهروندان خلخال

مشارکت سیاسی	میانگین	مد	انحراف استاندارد
	۳/۰۲۸۹	۳	۱/۰۳۵۸۸

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت مشارکت سیاسی با میانگین ۳/۰۲۸۹ است. مقدار انحراف معیار نشان می‌دهد که متوسط پراکندگی مشارکت سیاسی از میانگین، ۱/۰۳۵۸۸ است.

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

جدول زیر توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان مشارکت سیاسی

جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان مشارکت سیاسی

درصد	فراوانی	
۰/۳۴	۱۲۹	زیاد
۳۷/۹	۱۴۴	متوسط
۲۸/۱	۱۰۷	کم
۱۰۰/۰	۳۸۰	جمع

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود که میزان امتیازات مشارکت سیاسی به چه صورتی تفکیک شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت بیشترین فراوانی (۰/۳۷/۹) مربوط به رده سوم (متوسط) می‌باشد.

یافته‌های استنباطی:

فرضیه اول: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان حمایت اجتماعی تغییر می‌کند.

جدول (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و حمایت اجتماعی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
حمایت اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۳۷ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان احساس شهروندی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۵): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و احساس شهروندی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
احساس شهروندی	مشارکت سیاسی	۰/۳۰۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، زمستان ۱۳۹۵

دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/302$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه سوم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان بیگانگی اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۶): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و بیگانگی اجتماعی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
بیگانگی اجتماعی	مشارکت سیاسی	$0/242$	$0/000$

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر موردبررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/242$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۷): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و اعتماد اجتماعی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	مشارکت سیاسی	$0/301$	$0/000$

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر موردبررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/301$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه پنجم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان اعتماد سیاسی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۸): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و اعتماد سیاسی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
اعتماد سیاسی	مشارکت سیاسی	$0/320$	$0/000$

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر موردبررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/320$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ششم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان دین‌داری آنان تغییر می‌کند.

جدول (۹): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و میزان دین‌داری (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
دین‌داری <td>مشارکت سیاسی <td>$0/221$</td> <td>$0/000$</td> </td>	مشارکت سیاسی <td>$0/221$</td> <td>$0/000$</td>	$0/221$	$0/000$

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر موردبررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/221$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه هفتم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان پیوند گروهی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۱۰): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و میزان پیوند گروهی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
پیوند گروهی <td>مشارکت سیاسی <td>$0/428$</td> <td>$0/000$</td> </td>	مشارکت سیاسی <td>$0/428$</td> <td>$0/000$</td>	$0/428$	$0/000$

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر موردبررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/428$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه هشتم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان استفاده آنان از رسانه‌ها تغییر می‌کند.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، زمستان ۱۳۹۵

جدول (۱۱): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و میزان استفاده از رسانه‌ها (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان استفاده از رسانه‌ها	مشارکت سیاسی	۰/۱۰۵	۰/۰۴۱

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/041$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/105$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه نهم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان فشار گروهی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۱۲): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و میزان فشار گروهی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
فشار گروهی	مشارکت سیاسی	۰/۵۶۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/563$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دهم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان هم‌نوایی آنان تغییر می‌کند.

جدول (۱۳): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مشارکت سیاسی (متغیر وابسته) و میزان هم‌نوایی (متغیر مستقل)

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
هم‌نوایی	مشارکت سیاسی	۰/۳۳۷	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ می‌باشد بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه معنی‌داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/337$ بین دو متغیر رابطه معنی‌داری برقرار است؛ یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

فرضیه یازدهم: میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

ابتدا برای به دست آوردن تحلیل واریانس یک‌طرفه از رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت سیاسی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. سپس جهت آزمون فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

جدول (۱۴): آزمون آنالیز واریانس رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان خلخال

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
.۰۳۹۱	.۰۹۴۲	۱۰/۹۰۰۶۰	۵۲/۸۱۰۳	۵۸	بالا
		۱۰/۲۰۰۸۱	۵۰/۶۶۹۴	۱۲۱	متوسط
		۱۰/۲۵۴۲	۵۱/۷۸۶۱	۲۰۱	پایین

آمار جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری (۰/۳۹۱) آزمون نیز از ۰/۰۵ بیشتر است؛ یعنی میزان مشارکت شهروندان برحسب مشارکت سیاسی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت نیست.

معادله رگرسیون به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل (حمایت اجتماعی، احساس شهروندی، اعتماد سیاسی، اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، بیگانگی اجتماعی، دین‌داری، رسانه‌های جمعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، فشار گروهی، هم‌نویی) و متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) بررسی می‌شود. مقدار ضریب تعیین بیان‌کننده این است که چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته به کمک متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. با کمک ضرایب بتا می‌توان معادله رگرسیون را نوشت. همچنین ضرایب بتای استاندارد شده در تعیین سهم نسبی هر متغیر در تغییرات متغیر وابسته مؤثر است. ضریب بتای هر متغیر مستقلی که بیشتر بود به معنای این است که سهم نسبی بیشتری در تغییرات متغیر وابسته دارد.

جدول (۱۵): نتایج رگرسیونی مقدار ضریب تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان خلخال

ضریب تعیین R Square	ضریب همبستگی R
.۰۵۰۶	.۰۷۱۱

با توجه به جدول بالا مقدار ضریب همبستگی چندگانه مدل رگرسیونی برابر ۰/۷۱۱ است. مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۵۰۶ است یعنی ۰/۵۰۶ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.

جدول (۱۶): آنالیز واریانس (Anova) معناداری رابطه مشارکت سیاسی شهروندان و عوامل مؤثر بر آن

سطح معنی‌داری	مقدار آماره F
.۰۰۰	۳۱/۳۱۸

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان 95% می‌توان گفت مدل برازش داده‌شده مدل مناسبی است و رابطه رگرسیون خطی است.

جدول (۱۷): ضریب همبستگی رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان

سطح معنی‌داری	ضریب بتای استاندارد شده	ضریب بتا
۰/۴۳۵	۰/۰۳۱	۰/۰۷۵
۰/۰۰۹	۰/۱۰۸	۰/۲۴۳
۰/۰۰۰	۰/۲۱۵	۰/۴۲۹
۰/۸۸۴	-/۰۰۷	-/۰۰۹
۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۴۸۵
۰/۷۷۸	۰/۰۱۲	۰/۰۲۲
۰/۸۳۶	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰
۰/۰۰۲	۰/۱۱۷	۰/۵۶۶
۰/۵۳۸	۰/۰۲۳	-/۳۲۰
۰/۰۰۰	۰/۴۸۶	۲/۷۸۷
۰/۱۶۸	۰/۰۶۵	۰/۳۲۲

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری پنج متغیر مستقل احساس شهروندی، اعتماد سیاسی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی و فشار گروهی کمتر از $0/05$ است بنابراین وارد مدل رگرسیونی می‌شوند و سطح معنی‌داری هفت متغیر حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بیگانگی سیاسی، بیگانگی اجتماعی، دین‌داری، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و هم‌نوایی کمتر از $0/05$ نمی‌باشد بنابراین وارد مدل رگرسیون نمی‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت مفهومی است چندبعدی و پیچیده که هر جامعه‌ای نسبت به قوام خود، از سطوح مختلفی از آن در ابعاد متفاوت برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی‌شان را محکم و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند. با توجه به این که انسان‌ها به‌خودی‌خود پتانسیل مشارکت را با هدف دستیابی به خواسته‌های فردی، جمعی، دستیابی به عدل، همبستگی، امنیت، کنترل محیط خود و ... دارند. احساس تعلق و درگیر شدن در ساخت‌وساز امور جامعه، یک «هویت جمعی» را در جامعه شکل می‌دهد که به‌عنوان عامل انگیزش اصلی برای مشارکت است. احساس تعلق افراد به اجتماعشان بیشتر در جوامعی مدنظر است که همبستگی ارگانیکی در آن‌ها کمتر است و در نتیجه نیاز به جوش احساسات عاطفی و واکنش‌های «هویت جمعی» برای پیشبرد برنامه‌ریزی‌ها در ابعاد مختلف آن وجود دارد.

تبیین جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است و یکی از شاخه‌های توسعه سیاسی در کشورها به‌شمار می‌رود. مشارکت سیاسی هر عمل ارادی (داوطلبانه) موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا غیرسازمان‌یافته، گاه‌گاهی یا مستمر، شامل به‌کارگیری مشروع و یا نامشروع که هدفش تأثیر بر انتخاب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی کشور، اداره‌ی امور مملکت و انتخاب رهبران سیاسی در هر حکومت خواه محلی یا ملی است. امروزه بحث توسعه و روند حرکت به سمت ارتقای کمی و کیفی شاخص‌های پیشرفت و توسعه ازجمله عوامل بسیار مهمی است که تمام تلاش تصمیم‌گیرندگان و سرمداران کشورها به‌خصوص جهان سوم را به خود مشغول داشته است.

داده‌های به‌دست‌آمده از وضعیت مشارکت سیاسی شهروندان نشان می‌دهد که میانگین نمره مشارکت سیاسی برای افراد مورد مطالعه برابر $3/03$ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱ تا ۵) در حد متوسطی است و بیانگر وجود مشارکت متوسطی در میان شهروندان است.

در این تحقیق نیز با مشاهده نتایج فرضیه‌ها می‌توان چنین گفت که مشارکت سیاسی جوانان بر اساس آنچه نظریه‌پردازانی مانند لیپست، میلبراث و گوئل، لرنر و ... بحث می‌کنند بسته به عواملی چون انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی و ویژگی‌های شخصی می‌باشد.

همچنین تحقیقات مشابهی نیز صورت گرفته است که با نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق سنخیت دارند برای مثال زهره آذرگون در پژوهشی به بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان، مطالعه موردی: شهر ساری پرداخت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که پنج متغیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، عضویت در نهادها و همچنین تحصیلات به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته دارند وارد معادله رگرسیون شده است و در کل این متغیرها توانسته ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نماید. همچنین داده‌های به‌دست‌آمده از وضعیت مشارکت جوانان نشان می‌دهد که میانگین نمره‌دهی مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه برابر با $43/48$ است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد پایینی است و بیانگر وجود مشارکت کم و تا حدی ضعیف در میان جوانان است (Azargon, 2008: 150).

زینب فاطمی امین نیز مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران انجام داده است. بر اساس نتایج تحقیق با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت که هر یک از متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی، درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، فاتالیسم (سرنوشت‌گرایی)، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی، پخش مسؤولیت، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، دوری‌گزینی سیاسی، استفاده از رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی،

اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی، رابطه و همبستگی معناداری با میزان مشارکت سیاسی دارد (Fatemi amin, 2009: 199).

- با توجه به نتایج پژوهش، بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد؛ بنابراین، رسانه‌های جمعی باید خود را وکیل و قیم شهروندان روشن‌بین بدانند، موضوعات و مقولات را بی‌طرفانه انتخاب کنند و در جهت پذیرای دغدغه‌ها و پیشنهادهای آن‌ها باشند.

- بر اساس یافته‌های تحقیق بین گرایش به اعتقادات دینی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان انتظار داشت در جوامع مذهبی میزان مشارکت افراد بالاتر باشد؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی بر مسلمین لازم است در تشکیل جامعه اسلامی و تثبیت و استقرار آن همت ورزند و یکی از شؤن اجتماعی‌شدن دخالت در امور سیاسی و کسب استقلال و به‌دست آوردن عزت و سیادت اجتماعی است.

- همچنین یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای میزان اعتماد اجتماعی، اعتماد سیاسی، بیگانگی اجتماعی، بیگانگی سیاسی، پیوند گروهی، هم‌نوایی، فشار گروهی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و ... با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. در این زمینه می‌توان گفت؛ فعال کردن و انگیزه‌دادن به شهروندان برای مشارکت نیازمند فضای سیاسی شفاف، قوانین و مقررات مناسب، برخورداری نسبی از امکانات معیشتی و رفاهی است. در این حالت مشارکت در جهت حمایت از موجودیت، اقتدار و تقویت حاکمیت نظام خواهد بود. اگر مخالفت و مبارزه‌ای هم باشد در چهارچوب نظام و نه بر ضد موجودیت نظام است.

- با توجه به یافته‌های پژوهش بین میزان احساس شهروندی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. همچنین آشنایی افراد از حقوق شهروندی دارای اهمیت زیادی است، بنابراین توجه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی به رشد و توسعه افکار و آگاهی افراد از حقوق شهروندی از طریق التفات به امر تبلیغات و آموزش‌های غیررسمی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این صورت نقش سازمان‌هایی همانند، صداوسیما، آموزش و پرورش، شهرداری، شورای شهر، خانواده، مؤسسات غیردولتی (NGO) در توجه به آموزش‌های غیررسمی از طریق روش‌های مختلف تبلیغاتی و توجه دادن شهروندان به حقوق اساسی‌شان در ابعاد مدنی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

References

- Azargoun Z. (2008). "The Study of Socioeconomic Factors Related to Political Participation of the Youth, Case Study: Sari City", specialized quarterly periodical of Social Sciences, fourth year, No 18, p.p. 149-169 (Text in Persian).
- Bashirieh, H. (2009). Political Sociology: The Role of Social Powers in the Political Life. Tehran: 17th, edition (Text in Persian).
- Chris Y.H. & DeHart L., Jean. (2016). Social Media Use and Online Political Participation among College Students during the US Election 2012, Social Media + Society, pp: 1-18.
- Fatemi Amini, Z. (2009). The Study of Social and Mental Factors impacting on Political Participation of People in Tehran: Social Sciences Research, 5th year, No 1, P.p. 199-226 (Text in Persian).
- Gidenz, A. (2005). "The Subsequences of Modernism, translated by Salasi Mohsen, Tehran, Markaz Publication (Text in Persian).
- Ingelhart, R. (1999). Cultural Evolution in Advanced Industrial Societies, translated by Maryam Vatar, Tehran: Kavir Publication (Text in Persian).
- MohseniTabrizi, A. Tabatabaee, G. & Marjaee, H. (2003). The Political Participation of Women in 28 Provinces of Iran, ministry of the Interior, research and planning institution of higher education ministry (Text in Persian).
- Mostafa, N. (1996). Political Participation of Women in Iran, Tehran: ministry of foreign affairs, Chap vaEntesharat institution (Text in Persian).
- PashazadehAzari, F. (2010). "The Study of Social Factors on the Degree of Political Participation of the Students of Islamic Azad University.Roudhen Branch during Academic Year of 2009- 2010", quarterly periodic of Social Research, third year, No 7 (Text in Persian).
- Rash, M. (1998). "The Society and Politics: An Introduction to Political Sociology". Thehran: Samt Publication, 5th Edition (Text in Persian).
- Rezaee, A. & Zohreie, M. (2011). "Innovation in Planning and Evaluation of Cultural Performance, Tehran: Yadavaran Publication (Text in Persian).